بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل بیت (علیهم السّلام) - 4 /تیر/ 1387

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

اولاً صمیمانه، عمیقاً به همه ی برادران و خواهران حاضر در این محفل گرم و صمیمی و سرشار از عشق و محبت، به مناسبت میلاد صدیقه ی طاهره حضرت فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها) و همچنین ولادت فرزند پرافتخار و سربلندش، امام عزیزمان (رضوان اللّه تعالی علیه)تبریك عرض میكنم و از برادران عزیزی كه با هنرنمائی و برنامه های خودشان ما را از كوثر محبت اهل بیت (علیهم السّلام) سیراب كردند - چه خواننده های عزیز، چه شعرائی كه این شعرها را سروده بودند - تشكر میكنم.

حقاً عرصه ی محبت اهل بیت عرصه ی شایسته ای برای هنرنمائی است و در میان این مجموعه ی نور، محبت فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها). جای ابراز هنر، ابراز ذوق و ظرافت طبع حقاً و انصافاً همین جاست. فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها) كلمةاللّهِ پرمضمون و مانند یك دریای ژرف و عمیق است. هر چه فكر انسان، ذوق انسان، طبع ظریف صاحبان طبع در این زمینه كنكاش بیشتری كند، تدبر و تأمل بیشتری كند، گوهرهای بیشتری به دست خواهد آورد. البته توصیه ی همیشگی ما این است كه ژرف پیمائی در این اقیانوس نور و معنویت به كمك احادیث اهل بیت باشد. همانطوری كه در یكی از اشعاری كه آقایان خواندند، این مضمون بود، كه معرفت این خاندان هم در اختیار خود این خاندان است ؛ از آنها فرا بگیریم. آنها را معرف خودشان قرار بدهیم. تأمل كنیم، دقت كنیم تا به صورت عمیق و ژرفی این كلمات و این معانی را بفهمیم. شعرای عزیز ما، مداحان و ستایشگران اهل بیت (علیهم السّلام) كه این افتخار را دارند كه به كلمات و به روایات اهل بیت مراجعه كنند، تأمل كنند، تدبر كنند، از اهل بصیرت و معرفت برای ژرف یابی كمك بگیرند، آن وقت ذوق، طبع لطیف، دقت نظر و كنكاش، صوت خوب و حنجره ی توانا را در خدمت اینها قرار دهند. این یكی از بهترین و شریفترین كارهاست.

در باره ی مداحی اهل بیت و ستایشگری این انوار مقدسه و طیبه، بنده در طول این سالیان متمادی كه این جلسه ی شریف و عزیز و مغتنم در اینجا تشكیل میشود، صحبتهای زیادی كرده ام كه تكرار آن صحبتهارا لازم نمیدانم، لیكن همین قدر عرض كنم كه هر چه ما جلو میرویم، نقش ارتباطگیری با هنر بیشتر آشكار میشود ؛ ارتباط گرفتن با ذهن و دل مخاطبان خود، مردم خود، با كمك ابزار بسیار كارآمد هنر. امروز آن كسانی كه پیامی برای مردم دارند ؛ چه پیام رحمانی، چه پیام شیطانی - فرق نمیكند - بهترین وسیله ای كه در اختیار میگیرند، وسیله ی هنر است. لذا شما می بینید به كمك هنر، امروز در دنیا باطل ترین حرفها را در ذهن یك مجموعه ی عظیمی از مردم به صورت حق جلوه میدهند كه بدون هنر امكان نداشت، اما با هنر و به كمك ابزار هنر این كار را میكنند. همین سینما، هنر است ؛ همین تلویزیون، هنر است ؛ انواع و اقسام شیوه های هنری را به كار میگیرند برای اینكه بتوانند یك پیام باطل را به شكل حق به ذهنها منتقل كنند. بنابراین هنر اینقدر اهمیت پیدا كرده است. منتها ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان، امتیازی داریم كه دیگر ملیتها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی كه به شكل روبه رو، چهره به چهره، نفس به نفس تشكیل میشود كه این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر كمتر میشود پیدا كرد. هست ؛ نه به این قوّت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتواهای راقی. فرض بفرمائید برای كسانی كه با زبان قرآن آشنا هستند، آیات كریمه ی قرآن با صوت خوشی روبه رو تلاوت شود. این تأثیرش تأثیر بسیار بالائی است. ماجرای مدح خوانی و ستایشگری مداحان ما از این باب است ؛ استخدام هنر برای انتقال مفاهیم والا و باارزش كه تا اعماق جان مخاطب نفوذ كند. این یك وسیله است، این یك ابزار بسیار باارزش

است. ابزار است، اما آنقدر این ابزار وزن پیدا میکند که گاهی به قدر خودِ محتوا اهمیت پیدا میکند ؛ چون اگر نباشد، محتوا قابل انتقال به دلها نیست. مداحیِ شما از این قبیل است. هر چه هنرمندانه تر باشد، از ابزار هنر، از صوت خوش، حنجره ی خوب برخوردار باشد، بهتر است و هر چه محتوا - آنچه که میخوانیم - آموزنده تر باشد، برای مخاطب قابل فهم تر باشد، درس آموزتر باشد، از جهت مدیریت فکریِ مخاطبتان تازه تر و با طراوت تر باشد، ارزشش بیشتر است. البته با توجه به همان مطلبی که اول عرض کردیم، یعنی در چهارچوب تعالیم و معارف اهل بیت. لذا بازی کردن با مسئله ی مداحی سزاوار نیست. مداحی را به صورت یك کار صرفاً سطحی، شکلی، ظاهری در آوردن، آن را عبارةًاخرای تقلید از یك کار مبتذل غربی قرار دادن، هیچ جائز نیست. این را توجه بکنند، بخصوص جوانها که توی این صراط وارد میشوند. هیچ اشکالی ندارد که از شعری با زبان مردم استفاه شود، لیکن با مضمون درست، با مضمون صحیح. اگر چنانچه مداح و خواننده ما و ستایش گر اهل بیت (علیهم السّلام) از کسانی که خودشان غرق در حیرت و بدبختی اند - وادی هنری غرب، بخصوص هنر موسیقی شان که به ابتذال کشانده شده - و در وادی حیرت و سردرگمی شیطانی و نه حیرت رحمانی هستند، این کار شریف و پاکیزه و مقدس را الگوگیری کرد، این کار ناسزاوار است ؛ کار ناشایستی است.

و نکته ی دیگری که این را هم ما دائماً تذکر داده ایم، باز هم عرض میکنیم، این است که محتواها را محتوائی قرار بدهید که مخاطب شما استفاده کند ؛ یا یك منقبت قابل فهمی، یا یك فضیلت برانگیزاننده ای از اهل بیت (علیهم السّلام) باشد که اعتقاد و ایمان انسان را محکم کند. شما ببینید مداحان اهل بیت (علیهم السّلام) در دوران حیات معصومین (علیهم السّلام) بر روی چه چیزهائی تکیه میکردند. شعر دعبل، شعر کمیت، شعر فرزدق - این شعرهائی که ائمه (علیهم السّلام) اینها را تشویق کردند - بر روی چه چیزهائی تکیه میکردند. شما نگاه کنید ببینید محتوای این اشعار یا عبارت است از اثبات حقانیت اهل بیت با دلیل، با استدلال - استدلالی که در کسوت زیبا و لطیف شعر خودش را نشان میدهد. شعر دعبل را نگاه کنید - یا بیان فضائل اهل بیت (علیهم السّلام) ؛ همینی که امروز در شعر این خوانندگان عزیز ما هم چند بار تکرار شد. اشاره ی به ماجرای هل اتی، اشاره ی به ماجرای مباهله، اشاره ی به تعبیرات پیامبر مکرم نسبت به فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها)، یا بیان درسهائی که از زندگی آن بزرگواران میشود گرفت که نمونه ی شیرینِ کاملِ نزدیك به زمانِ خودمان، شعرهائی است که در دوره ی انقلاب - دوره ی اوج نهضت در سال 56 و 57 - در محرم، دسته جات سینه زنی، به ابتکار خودِ مداحان، خودِ مرثیه سرایان، خود را نشان داد. دسته ی سینه زنی توی بازار، توی خیابان سینه میزد، نوحه میخواند، لیکن هر کسی می شنید، میفهمید که امروز باید چه کار کند ؛ امروز باید در کدام جهت حرکت کند.

وقتی شما این هنر را - هنر صوت و لحن و آهنگ و شعر را که کار شما مجموعه ای از چندین هنر است - در خدمت این معانی قرار دهید که یا اثبات حقانیت اهل بیت را میکند، یا فضائل و مناقب اهل بیت را میگوید که دل شنونده را روشن میکند، یا معارف اهل بیت را تفهیم میکند و راه زندگی را برای مخاطب شما روشن میکند، آن وقت این بالاترین ارزش را پیدا میکند ؛ آن وقت یك برنامه ی مداحی شما به قدر چند ساعت سخنرانی و درس استدلالی ارزش پیدا میکند.

مسئله فقط تحریك احساسات نیست ؛ هدایت ذهنهاست. البته امروز خوشبختانه من می بینم که هم در این جلسه، هم در جلسات عزاداری و مناسبتهائی که مداحان عزیز می آیند میخوانند، الحمد للّه توجهات خوبی در این سالها پیدا شده، لیکن ظرفیت، خیلی ظرفیت عظیمی است. شما جوانهائی که اهل خواندن و سرودن و بیان کردن و برنامه اجرا کردن هستید، به نیاز امروز جامعه ی اسلامی نگاه کنید، ببینید چقدر ملت ما، جوانها و جامعه ی ما در کشاکش طوفانهای گوناگونِ تهاجم سیاسی و فرهنگی و انواع و اقسام تلقینات و تبلیغات، به نگاه نو، به روحیه ی سرشار از امید، به دل لبالب از اطمینانِ به آینده، فهمیدن راه روشن احتیاج دارد. این را همه باید انجام دهند ؛ هر کسی به یك

نحوی. و شما میتوانید سهم وافری در این زمینه داشته باشید. به هر حال، مجموعه های اساتید و پیشکسوتهای مداحی میتوانند کارهای خوبی انجام دهند، امیدواریم ان شاءالله انجام دهند.

یك نقطه ی اساسی هم این است که ما وضعیت کنونی انقلاب را همواره هم در یاد خودمان داشته باشیم، هم در حوزه ی شعاع گفتاری خودمان، تأثیر نفس خودمان را به یاد دیگران بیاوریم. عزیزان من! انقلاب یك حادثه در تاریخ ایران فقط نبود ؛ این یك حادثه در تاریخ جهان و در تاریخ بشریت بود. بر روی این نکته من تکیه و تأکید میکنم - این شعار نیست، این تدقیق در یك حقیقت است - که این یك حادثه در تاریخ بشریت است. هر چه زمان بیشتر بگذرد، بیشتر این حقیقت روشن خواهد شد. اینجور نبود که حالا در کشوری نظامهای طاغوتی و فاسد بودند، بعد به یك نظام اسلامی تبدیل شد. البته این بود ؛ اما فقط این نبود. از لحاظ اعتقادی و معنوی، قرنهاست که دنیا را بعمد به سمت نگاه مادی و فهم مادیِ زندگی و عالم پیش میبردند، الان هم دارند پیش میبرند. این انقلاب در مقابل این موج عظیمی که با همه ی قدرت مادی آن را دائم تشدید میکردند، آمد ایستاد و ضربه زد. انقلاب با مطرح کردن عَلَمِ معنویت، با آن حرکتی که ترك تازانه به پیش میبردند، به آن حرکت لطمه وارد آورد و او را کند کرد. امروز شما می بینید در همان کشورهائی که مهد گرایش مادیگری بود، گرایشهای معنوی به شکلهای مختلفی بروز کرده ؛ یعنی طلب معنویت، عشق به معنویت، شوق و گرایش به معنویت در آنجا در بین جوانهایشان به وجود آمده - البته این معنویت را وقتی نمیتوانند درست اداره کنند، مدیریت کنند، گرایشهای انحرافی به وجود می آید ؛ عرفانهای قلابی، معنویتهای دروغین. و شیادانی هم هستند که نقش می آفرینند - که اگر توی این شرائط اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) بتواند خود را به قلب امپراتوری مادی غرب برساند، آنجا طالب دارد، مستمع دارد، علاقه مند دارد. و این امروز در دنیا محسوس و مسلم است. اینی که می بینید علیه اسلام این همه حمله میکنند، به نام مبارك پیغمبر اعظم (صلّی اللّه علیه و اله و سلّم) به مصداق قول مولوی:

مه فشاند نور و سگ عوعو کند

هر کسی بر طینت خود میتند

بر طینت خودشان می تنند نسبت به نام مبارك آن بزرگوار. این، حادثه ی جدیدی را به وجود آورده که نفوذ این نام در دنیا بیشتر شده ؛ حضورش قویتر شده ؛ جاذبه اش برای دل جوانها مضاعف شده و همین، گردانندگان استکبار را دستپاچه کرده که عوامل و مزدورانشان را وادار میکند که هر روز به یك نحوی عکس العمل نشان میدهند که این نشان دهنده ی هزیمت آنهاست. این از جنبه ی معنوی.

از جنبه ی سیاسی این است که از دورانی که مسئله ی استعمار در دنیا شروع شد - یعنی از قرن نوزدهم - که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مسئله ی استعمار یعنی دست اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرتهائی که میتوانستند دست اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سر کار آمد ؛ یعنی دنیا تقسیم شود به دو بخش ؛ یك بخشِ گردن کلفت و زورگو و سلطه گر، یك بخشِ ضعیف و توسری خور و سلطه پذیر. انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما می بینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند میشود، این چیز جدیدی است ؛ این مخلوق حرکت ملت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت. اینی که شما می بینید امروز در همه ی دنیا، چه در کشورهای اسلامی، چه حتّی در کشورهای اروپائی، سیاست آمریکائی منفورترینِ سیاستها و سران کشور آمریکا منفورترینِ سیاستمداران دنیا هستند، این ناشی از این حرکت عظیم ملت ایران است. اینجا بود که اول، شاخِ ابرقدرتیِ ابرقدرتها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید. چرا؟ چرا قدرتهای بزرگ مثل آمریکا و دیگران با کشورهائی که همیشه سلطه پذیر بودند، باید از موضع قدرت حرف

بزنند؟ توی ایرانِ خود ما سران ذلیلِ روسیاهِ رژیم طاغوت، برای تصمیم گیریهای مهمشان اقدام نمیکردند، مگر اینکه قبلاً با سفیر آمریکا و سفیر انگلیس در ایران مشورت کنند. چرا؟ چرا یك ملت با توانائیهای خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یك قدرت بیگانه شود؟ چرا؟ این «چرا» را اول، انقلاب اسلامی گفت.

حالا این، دو نمونه از تأثیری که انقلاب شما ملت ایران از جنبه ی معنوی و از جنبه ی سیاسی در حرکت عمومی جهان و نه فقط در تاریخ ایران، باقی گذاشته. این دو نمونه، نمونه های دیگری هم دارد که حالا وقت تفصیلش نیست.

این اقدام بزرگ انجام گرفت، دشمنی ها هم با او شروع شد ؛ مقاومت متقابل هم شروع شد. رهبریِ شگفت آور امام بزرگوار در سخت ترین دورانها توانست این حرکت را با کمال قدرت حفظ کند و پیش ببرد و پیش ببرد. ملت ایران، جوانان این کشور، حقیقتاً سخن امام بزرگوارشان را نیوشیدند ؛ از دل و جان آن سخن را پذیرفتند، فهمیدند و دنبال کردند. خیلی هم تلاش شد که مردم را منحرف کنند، منصرف کنند، راهشان را عوض کنند، باورشان را بگیرند، نشد ؛ تا حالا نشده، بعد از این هم ان شاءالله نخواهد شد. این حرکت ادامه پیدا کرده و این دشمنیها هم روز به روز به شکلهای مختلف وجود داشته. ما مثل آن دونده ای هستیم که به طرف مقصدی دارد حرکت میکند، ولی عده ای نمیخواهند او برسد و دائم سر راهش مانع درست میکنند ؛ از رو مانع ها میپرد، هی سنگ بهش میزنند، هی او را ملامت میکنند ؛ از اطراف به او فریاد میزنند: نرو، نمیرسی، فایده ای ندارد ؛ او هم گوشش بدهکار نیست ؛ زخمها را میخورد، دردها را تحمل میکند ؛ اما راه خودش را ادامه میدهد و میرسد. ملت ایران مثل یك چنین دونده ی قهرمانی تا امروز عمل کرده ؛ پیش رفته.

خوب، در یك چنین وضعیتی، دلسوزان این کشور، دلسوزان این ملت، علاقه مندان به آرمانهای اسلامی و انقلابی و مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) وظیفه ی شان چیست؟ همه وظیفه دارند این راه را برای روندگان، یعنی برای ملت ایران تسهیل کنند. سیاستمدارها یك جور، دولتمردان یك جور، علمای دین یك جور، دانشمندانِ دانشگاه ها یك جور، روشنفکران یك جور، قشرهای مختلف یك جور. یکی از اثرگذارترین ها هم این جامعه ی گویندگان مذهبی، سرایندگان مذهبی، پرچمداران عشقِ به اهل بیت (علیهم السّلام) که در شادی و عزای اهل بیت دلها را به آنها نزدیك میکنند، هستند.

آنچه که امروز لازم است، این است که همه این وظیفه را بشناسند، بدانند که ما کجا هستیم. یك عده ای غفلت میکنند، نمیفهمند که ما این همه حرکت کرده ایم، پیش آمده ایم ؛ نمیفهمند که ما هنوز راه طولانی ای در پیش داریم ؛ نمیفهمند که ما دشمن داریم، دشمن از تنبلی ما، از غفلت ما، از اختلاف ما، سوء استفاده میکند. مخاطب بیشتر این حرف شخصیتهای مطرح جامعه - سیاسی و فرهنگی و غیره - هستند که باید مراقب حرف زدنهای خودشان، مراقب نوشتنهای خودشان، مراقب موضع گیریهای خودشان باشند. اتحاد و اتفاقی که رمز همه ی پیشرفتها و پیروزیهاست، امروز بیشتر از همه برای این کشور لازم است. مسئولین کشور هم واقعاً دارند زحمت میکشند، حقیقتاً دارند زحمت میکشند. دولت، مسئولین، مدیران بخشهای مختلف، تلاش میکنند. اگر کسی ایراد و انتقادی هم دارد، نباید آن را جوری مطرح کند که این مدیری که در تلاش هست برای اینکه کار را بهتر انجام دهد، او را تضعیف کند. اختلافات غالباً از هوسهای نفسانی بر میخیزد. اگر کسی بگوید این عمل من که اختلاف انگیز بود، تفرقه انگیز بود، برای خداست، این را باور نکنید. تفرقه ی بین مؤمنین کار خدائی نیست، برای هدفِ خدائی انجام نمیگیرد ؛ کار شیطانی است ؛ کار شیطانی است. ایجاد بغضاء و کینه بین مؤمنین، فضای اختلاف را به وجود آوردن، این کار شیطان است، کار خدائی نیست. کار خدائی همدلی است. یك نفر یك کاری دارد، مسئولیتی را بر عهده گرفته، دیگران باید کمك کنند تا کار را خوب انجام دهد. اگر ضعفی داشت، به او تذکر دهند ؛ اما نگذارند او تضعیف

شود. این کسی که این عَلَم را بر دوش کشیده، بلند کرده، همه باید کمکش کنند ؛ یکی عرقش را پاك میکند، یکی بادش میزند. اگر دیدند که در نگه داشتن عَلَم دارد اشتباه میکند، راهش این نیست که یك مشتی هم به پشتش بزنند، خودِ او و عَلَم را سرنگون کنند. راهش این است که کمکش کنند این اشکال برطرف شود ؛ این نکته را باید همه توجه کنند، بخصوص کسانی که در عرصه ی سیاست و در عرصه ی فرهنگ و در عرصه ی رسانه و در عرصه های گوناگون نقش و حضوری دارند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند میدهیم ما را از شناسندگان و دوستداران و ارادتمندانِ اهل بیت (علیهم السّلام) قرار بده ؛ ما را با این ایمان و اعتقاد زنده بدار و با این ایمان و اعتقاد بمیران ؛ ما را در دنیا و آخرت از آنها جدا مفرما. پروردگارا! وظائف ما را برای ما تسهیل بگردان ؛ آنچه که از ما سؤال خواهی کرد، ما را بر انجام آن موفق بدار ؛ قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود گردان.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه